

برای ارتقای راهبردی تشکیلات زنان

فائزه توکلی

با تاکید بر اصل شایسته‌سالاری و با هدف مشارکت عمومی، لزوم تشکیلاتی در سطح «سازمان زنان» در حوزه زنان ضرورت دارد. ضرورت تشکیل سازمان زنان از ایده‌آلهایی بود که زنده‌یاد دکتر زهرا شجاعی بعد از پایان دوره سرپرستی مرکز مشارکت امور زنان ریاست جمهوری در مصاحبه تاریخی شفاهی که نویسنده این مقاله با ایشان انجام داده بود طرح نمودند.

از آنجا که دو محور اساسی مشارکت سیاسی و مشارکت اقتصادی برای ارتقای جایگاه زنان الزامی است، نقش‌آفرینی زنان با توجه به ضرورت‌ها و اهداف زیر امکان‌پذیر می‌باشد:

الف- ضرورت‌ها

ضرورت‌های تشکیل «سازمان زنان» یا نهادهایی با همان قدرت و توان در راستای ساماندهی جمعیت نیمی از ایران بر حسب موارد زیر می‌باشد:

۱- زنان 48 درصد از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند و مشارکت 14 درصدی اشتغال آنان در جامعه، کاستی را در جذب این قشر پر توان می‌رساند و لزوم تشکیلات عالی به منظور هدایت آن به عنوان نیروی بالقوه را طلب می‌نماید.

۲- ساماندهی به تحکیم خانواده در قالب تشکیلات فراگیر. خانواده بنا بر نظر جامعه‌شناسان بنامی همچون استاد باقر ساروخانی سنگ و بنای تمدن ایران است.

۳- بر خورداری علمی و پر توان زنان ایرانی با بیش از شصت درصد قشر دانشگاهی، ضرورت به‌کارگیری این پتانسیل و زمینه افزایش بهره‌وری و تولید ناخالص داخلی، کاهش فقر و بیکاری، رشد و توسعه اقتصادی و رونق تولید را به دنبال دارد. با هدایت نظام‌مند و تشکیلاتی منسجم این امر میسر خواهد شد.

۴- امروز زنان به عاملی تاثیرگذار در جریان اشتغال و کارآفرینی، توسعه صادرات غیرنفتی و بالا بردن درآمد خانوارها مبدل شده‌اند. هدایت فراگیر و منسجم آنان لازم است.

۵- به تناسب پیشرفت علم و تکنولوژی، بالا رفتن سطح انتظارات، نیازهای روزافزون اقتصادی و معیشتی و ازدیاد تقاضا

در حوزه‌های علمی، آموزشی، درمانی و مواردی از این دست ضرورت ساماندهی به حوزه زنان ایرانی در شرایط کنونی بیش از پیش احساس می‌شود.

۶- اختصاص تشکیلاتی توانمند در سطح «سازمان زنان» از منظر اقتصاد ملی منجر به بهره‌وری و بازدهی اقتصادی تا چند برابر بودجه اختصاص یافته خواهد بود.

۷- وجود تشکیلات منسجم به منظور ساماندهی حقوقی زنان (قانون حمایت خانواده، سرپرستی و حضانت فرزندان و...) و ارایه لوایح از جانب تشکیلات دولتی زنان به مجلس در کارسازی حقوقی آنان تاثیرگذار خواهد بود.

(ب) اهداف

پیشنهاد تشکیل «سازمان زنان» با اهداف زیر می‌باشد:

۱- فراهم آوردن بستر رشد ظرفیت‌های زنان در ارگان‌های دولتی و سازمان‌های غیر دولتی

۲- دستیابی به خانواده سالم و فراگیر

۳- نهادینه‌سازی روند فراهم‌آوری اطلاعات حوزه‌های زنان برای کمک به دولت

۴- دستیابی به عدالت جنسیتی و جلوگیری از هر گونه تبعیض انسانی در محیط‌های خرد و کلان

۵- ایجاد مکانیزم‌های موثر، به منظور نظارت در مشارکت زنان در ارگان‌های دولتی

۶- نظارت و ساماندهی حقوقی زنان

۷- نظارت بر امور رفاهی و اجتماعی زنان

۸- در مجموع، می‌توان ادعان داشت که تشکیلات «سازمان زنان» می‌تواند ظرفیت زنان را در راستای برنامه‌های اساسی

با محورهای پیشنهادی زیر محقق سازد:

(الف) مشارکت سیاسی زنان، (ب) توانمندسازی، (ج) امنیت و مصونیت، (د) ارتقای سطح آگاهی، (ه) بهداشت و سلامت، و

ساماندهی حقوقی زنان و خدمات رفاهی و اجتماعی بهبود بخشد و آنها بتوانند به عنوان نیمی از بیکر جامعه از حقوق خویش برخوردار گردند.

در این بخش به منظور تحکیم مبانی نظری ایجاد «سازمان زنان» به دو محور ضروری مشارکت سیاسی و اقتصادی اشاره می‌شود:

مبانی مشارکت سیاسی زنان

۱- مدنی بودن انسان: انسان بالطبع مدنی یا سیاسی است. زندگی سیاسی بر اساس روابط مبتنی بر اطاعت‌پذیری و فرمانروایی انسان‌ها با یکدیگر امکان‌پذیر می‌گردد و در این فرآیند، فرد و جامعه بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. در نتیجه، افراد اعم از زن و مرد بایستی با مشارکت فعال خویش در سرنوشت خود و جامعه، دخالت کرده و در چگونگی اداره امور کشور تأثیرگذار باشند.

۲- خردمند بودن انسان: خرد و عقل انسان که حاصل آن اندیشه، تعقل و تدبیر است. ضرورت همکاری و تعاون در امور مشترک را اعم از زن و مرد مورد توجه و تأیید قرار داده است. بر این اساس کنش‌های مربوط به مشارکت همگانی رفتارهایی معقول و هدفمندند.

۳- منافع عمومی و مشترک: انسان‌ها در زندگی دارای منافع مشترک و عمومی هستند که رسیدن به آنها جز از راه اقدام جمعی و همراه با مشارکت ممکن نیست. به علاوه انگیزه‌های متفاوتی همچون کار به خاطر منافع عمومی، احساس وظیفه، علاقه به کار با دیگران، کسب محبوبیت بین دیگران، برخورداری از احترام و قدردانی دیگر شهروندان یا دستیابی به اهداف جمعی، افراد را اعم از زن و مرد به مشارکت در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی ترغیب می‌کند.

۴- اصل حاکمیت عمومی: مشارکت سیاسی به منظور اعمال حق حاکمیت مردم اعم از زنان

۱۷:۱۳

و مردان در تعیین سرنوشت خود، امری لازم و ضروری است. اگر زنان و مردان برای تعیین سرنوشت خود در صحنه حاضر نباشند و بار مسوولیت را به گردن دیگران بیندازند، حق حاکمیت‌شان در تعیین سرنوشت از بین می‌رود.

۵- مسوولیت شرعی و دینی: اهمیت مشورت و مشاوره، همکاری و همگامی در انجام امور در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است و در قالب جنسیت نیز مطرح نشده و جنبه عام دارد. در این زمینه آیات بسیاری وجود دارند که به‌طور شفاف و روشن حاوی پیام‌هایی در این مورد هستند. به عنوان نمونه: «...وشاورهم فی الأمر فإذا عزمت فتوکل علی الله إن الله یحب المتوکلین؛ و در کارها با آنان مشورت نما، لیکن آنگاه که خود تصمیم گرفتی با توکل به خدا آن را انجام ده که خدا آنان را که بر او اعتماد کنند، دوست دارد.»

امام علی (ع) نیز در نامه معروف خود به مالک اشتر می‌فرماید: «بدان که رعیت را صنف‌هایی است که کارشان جز به

یکدیگر اصلاح نشود و از یکدیگر بی‌نیاز نباشند.» بنابراین با توجه به مبانی یاد شده، مشارکت امری انسانی است و زن و مرد نمی‌شناسد و در عین حال ضروری و لازم برای بشر است.

الف) شرایط تحقق مشارکت سیاسی زنان

تحقق مشارکت سیاسی مطلوب مبتنی بر فرهنگ مشارکتی فراگیر و پویاست اما نیاز به شرایطی دارد که عبارت‌اند از:

۱- برابری فرصت‌ها؛ مشارکت مشروط به برابری انسان‌ها اعم از زن و مرد است. از این رو فرصت‌های برابر را برای دو جنس می‌طلبد و دخالت دادن زنان در سطوح مدیریتی کلان معنای واقعی مشارکت را می‌نماید.

۲- آزادی اساسی؛ مشارکت منوط به آزادی انسان‌هاست. در یک نظام مشارکتی فرض بر این است که مردم باید آزادی‌های اساسی را برای تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و به دست آوردن مناصب عمومی داشته باشند و دولت نیز باید امکان این آزادی‌ها را برای زنان همراه با مردان که مناصب متعددی را از آن خود نموده‌اند فراهم کند.

۳- حقوق ذاتی؛ مشارکت حق مردم است و ذاتی تلقی می‌شود و در برابر حقوق اکتسابی قرار می‌گیرد. جامعه زنان با پتانسیل بالایی علمی که دارد می‌باید از این حق برخوردار باشد.

۴- آگاهی؛ مشارکت نیاز به آگاهی دارد و بیش از هر چیز نیازمند اقدام آگاهانه مردم است. مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در سیاست‌گذاری عمومی است و مستلزم تغییراتی بنیانی در اندیشه و عمل این دو است. پس باید از درون مردم اعم از زنان و مردان بجوشد و در قالب‌های پایدار و مقبول جامعه و دولت تبلور یابد.

۵- ایده‌های مشارکتی همه یک‌مخرج مشترک دارد و آن اهمیت دادن به نقش و نظر انسان‌ها اعم از مردان و زنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و دسترسی آنان به منابع قدرت است. نمی‌توان هیچ کشوری را یافت که یک دموکراسی راستین و اصیل داشته باشد، در حالی که تبعیض علیه نیمی از جمعیت آن ادامه دارد. امروزه کشورهای توسعه‌یافته‌تر تلقی می‌شوند که با کاهش نابرابری‌ها دامنه انتخاب را برای همه شهروندان خود در همه زمینه‌ها گسترده‌تر کرده‌اند.

ب) مبانی مشارکت اقتصادی زنان

امروزه نرخ مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یکی از معیارهای توسعه یافتگی جوامع به شمار می‌رود. زنان ایران 49 درصد از جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهند و حضورشان در فعالیت‌های اقتصادی کشور

تنها 14 درصد است. زنان در سال‌های گذشته سهم چندانی از اقتصاد کشور نداشتند و طی 30 سال سهم زنان از فعالیت‌های اقتصادی کشور رشد سده‌صدي را تجربه کرده است.

مبانی مشارکت اقتصادی زنان عبارت است از:

۱- حضور هر چه بیشتر زنان در بازار کار نرخ بیکاری جامعه را کاهش و بهره‌وری در محیط کسب و کار را افزایش می‌دهد به طوری که زنان می‌توانند همچون مردان به مشاغل مختلف دست یابند و هیچ منع قانونی برای اشتغال زنان وجود ندارد.

۲- در حدود احکام شریعت و قوانین نافذه، حق کار زن عبارت از آن نوع حقی است که زن بر مبنای آن می‌تواند دست به اشتغال خارج از خانه بزند. اگر چه در شریعت اسلام زنان در مقابل هزینه‌ها، مخارج زندگی و تامین معاش خود و خانواده وظیفه و مسوولیتی بر دوش ندارند اما اسلام به عنوان کامل‌ترین و مترقی‌ترین دین آسمانی، جواز اشتغال زنان را صادر کرده و در زمینه اشتغال زن با تاکید بر استقلال اقتصادی و تحصیل درآمد از سوی زنان بر سایر مکاتب پیشی گرفته است؛ به نحوی که اسلام به زنان این حق را می‌دهد که علاوه بر نقش‌های خانوادگی، همسری و مادری به نقش‌های اجتماعی و فعالیت‌های اقتصادی بپردازند و پا به پای مردان کار کنند.

۳- اصل 21 قانون اساسی، دولت را موظف کرده است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند و بسترهای مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او را فراهم کند که منظور از «تمام جهات» در این اصل يك تعبیر عام است و حق اشتغال یکی از مصادیق آن به شمار می‌رود.

۴- بند دوم و چهارم اصل 43 قانون اساسی نیز بر تأمین شرایط و امکانات کار همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند و همچنین رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار تاکید کرده است

۵- در قوانین دیگری نیز حق اشتغال و حقوق زنان شاغل مورد اشاره قرار گرفته است که از جمله این قوانین می‌توان به قانون خدمت نیمه وقت بانوان مصوب 1362، ماده 32 قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب 1366، ماده 20 قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب 1370 و ماده 20 قانون مقررات استخدامی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب 1374 اشاره کرد.

۶- حقوق زنان کارگر در قانون کار جمهوری اسلامی ایران صراحتاً اشاره کرده است به گونه‌ای که در مواد 75 تا 78 ضمن اشاره به اشتغال زنان، در ممنوعیت به کارگیری زنان در مشاغل سخت و زیان‌آور، مرخصی دوران بارداری و زایمان مقرراتی ذکر کرده است.

کلام آخر آنکه مشارکت زنان در راستای توسعه ایران يك اصل بی‌بدیل باید در تمام سیاست‌های دولت چهاردهم ایران باشد. از نتایج فعالیت‌های دوره‌های دفتر زنان، مرکز مشارکت زنان و معاونت زنان و خانواده در بیش از سه دهه فعالیت که فقط نقش ستادی داشته است و با حداکثر چهل نفر از نیروهای زنان فرهیخته و کارشناس به امور چهل میلیون نفر از زنان پرداخته می‌شد در شرایط کنونی برای توسعه ایران تشکیل «سازمان زنان» قطعاً در راستای تشکیلات ساماندهی امور زنان ایران تحول‌آفرین خواهد بود .

مدیر فصلنامه پژوهش زنان در تاریخ

پژوهشگر و مورخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی